

مادرانی که جنگ را پیش بردند

پسرهای ننه عبدالله حاصل قوام خانواده

 مهدیه جاهد
خبرنگار

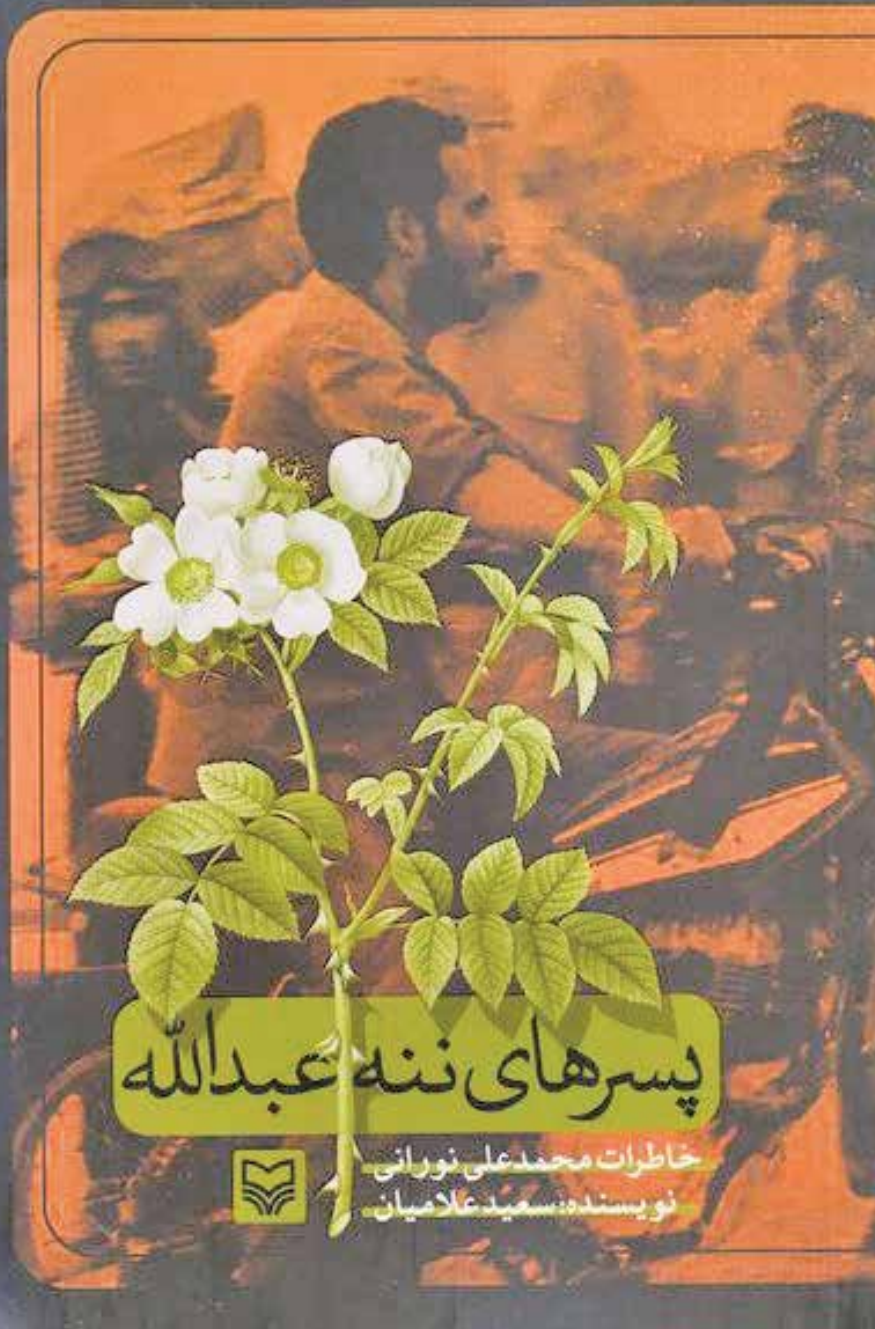

درست است که سرتاسر سال های دفاع مقدس پر است از عملیات و روزهای درخشان و پیروزی ها اما آزادسازی خرمشهر در روز سوم خرداد گویی برتری و شیرینی خاصی نسبت به باقی روزهای آن دارد.

وقتی شهر زیبا و آرام و ثروتمند خرمشهر در ۵۷۸ روز تبدیل شد به خونین شهر و هنوز که هنوز است گویی نه در ترکش و خمپاره و موشک که زخم کاری و شوک بزرگ جنگ بر پیکر و روح شهر خراش انداخته و مانده است.

عملیات آزادسازی خرمشهر

آزادسازی خرمشهر از مهم ترین اهداف عملیات بیت المقدس در سال ۱۳۶۱ در جنگ تحمیلی عراق با ایران بود که این شهر پس از ۵۷۸ روز از اشغال رژیم بعث عراق آزاد شد. عملیات بیت المقدس در ۳۰ دقیقه با ممداد روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ با قرائت رمز عملیات (بسم الله الرحمن الرحيم. بسم الله الفاسم الجبارين، یا علی ابن ابی طالب) از سوی فرماندهی آغاز شد.

حماسه آزادسازی خرمشهر در همه ابعاد آن، اعم از نظامی، حماسی و فرهنگی، نقطه عطف مهمی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است و روحیه سلطه ستیزی ملت ایران، امروز قوی تر و مستحکم تر از پیش همچنان در مسیر رشد و بالندگی قرار دارد. سوم خرداد نه فقط یادآور آزادی خرمشهر که یادآور فداکاری ها و ایستادگی های تحسین برانگیز مدافعان ایران اسلامی در برابر نیروهای متجاوز است.



کتاب پسرهای ننه عبدالله

محمد نورانی تمام آنچه اتفاق افتاده است را با قلم سعید علامیان برایمان روایت کرده است. پسران ننه عبدالله دفترچه خاطرات و روزشمار ابتدای جنگ و اشغال خرمشهر تا سوم خرداد و آزادسازی خرمشهر است.

جدای از احترام و ارعاب و قربی که شهدا بین ما دارند، آیا زرمندگان این دفاع هشت ساله نیز برایمان همان قدر آشنا و قابل احترامند؟ آیا آنها را نیز که خود حافظه شگفت انگیز تاریخ و بخش مهمی از سرنوشت کشورمان هستند، می شناسیم؟ محمد نورانی خود به تنهایی گنجینه و خاطره زنده ای است از روز اول جنگ تا همین حال حاضری که این نوشته ها را می خوانید. دقیقاً از ساعت اولی که اولین شلیک به سمت ایران شد. او تمام جزئیات این اتفاق را در کتاب پسرهای ننه عبدالله جمع کرده. این کتاب نه تنها راوی جنگ است که مرجعی است برای تمام جزئیات و تک تک خاطرات و اتفاقات آن.

جنگ ناگهان می رسد

(از مرز آمده بودم به خانه سربزنم. نزدیک ظهر بود. عطر دستپخت مادرم مرا به آشپزخانه کشاند. با خوشحالی بغلم کرد و بوسید... با هم از آشپزخانه بیرون آمدیم. هنوز سفره را پهن نکرده بود که یکباره صدای چند انفجار

در شهر پیچید.) زندگی عادی و جریان عادی زندگی با جنگ ناگهان متلاشی می شود. یکباره بوی عطر خوش دال عدس تبدیل می شود به مدتها کنسرو لوبیا خوردن با حشره و ریگ داخلش.

در کتاب چه می خوانیم؟

همه چیز در پسرهای ننه عبدالله اولین است. اگر شما هم به غوطه ور شدن در تاریخ و کنکاش در اتفاقات کوچک و بزرگ و ریز و درشتش علاقه مندید و دلستان می خواهید از ابتدای جنگ و اولین نفرها و اولین حرکت ها و اولین عکس العمل ها و اولین اقدامات باخبر شوید سراغ خوب کتابی می روید. با روایت نورانی با اولین شهدای مدافع شهر و اولین شهدای جنگ آشنا می شوید. از دردهای مردم عادی بودن تاریخ های فرمانده و مسئول بودن در جنگ آشنا می شوید. از سختی های جنگ شهری و هوشیاری فرماندهان کم سن و سال اما پخته آن نیز آگاه می شوید. در این کتاب جنگ سخت با چهره خانواده، با رفتارهای مادرانه و با باند های عاطفی درهم می آمیزد. جنگ با عرق خونی، با غیرت، با شجاعت و بوی آشنای به جان آمیخته خاک وطن پیوند می خورد و شکل معجزه متجلی می شود. محمد نورانی روایتش را با اولین لحظه شروع جنگ آغاز می کند و اتفاقات هر روز آن را می نویسد.

چه از منظر خودش که سمتی داشته و چه از این جهت که خودش و خانواده اش جزئی از مردمی بودند که در آتش ابتدایی جنگ می زیسته اند.

او همان طور که جنگ نظامی را توضیح می دهد، از زندگی خود نیز می گوید. از کودکی اش، از محله های شهری که در آن می زیسته و حالا زیر گام های متجاوزان فرورفته است و نقطه جذاب کتاب همین است. شما هم زمانی که تاریخ جنگ و نحوه اشغال و آزادسازی خرمشهر را می خوانید همزمان با زندگی بومی، رفتارها، کنش ها، سنت ها و زیست مردم منطقه و در عین حال باز زندگی فرمانده و رزمنده و جانباز بزرگی نیز آشنا می شوید و همین طور خاستگاه این مردان بزرگ، مادران و پدران و نحوه تربیت آنها. نکته طلایی کتاب عشقی است که این مردان از خانواده خود گرفته اند که اگر در دامن مادران پرمهر سرزمین شان نمی بالیدند هرگز خونشان برای دفاع از سرزمین شان به جوشش نمی افتاد. شاید ننه عبدالله، خانواده پرمهر ایرانی و پسرانش تمام پسران و مردانی بودند که در آتش این جنگ سوختند، به شهادت رسیدند، مجروح شدند اما گردی از خاک را به غیر ندادند.

صورت خشن جنگ

خرمشهر را خدا آزاد کرد. خدایی که از آستین مردان و زنان

غیور جنوب، که با جنگ و دندان و جان و مال در مقابل دشمن تاندان مسلح و خونخوار ایستادگی کردند، برآمده بود. اما سختی ها و مشقت های این ایستادگی کمتر به چشم آمده است و کسی نمی داند این مدت به مدافعان شهر و مردم چه گذشته است.

نمی داند وقتی اسم مجروح می آید چه تصویری از آن جرح در جنگ دارند یا وقتی کسی در جنگ به شهادت می رسد، نحوه شهادت و کشته شدن واقعی اش در ذهن چطور از آب درمی آید. تجسم بودن در آن شرایط هم گاهی سخت می شود. اما نورانی در این خاطره گویی گاهی ما را با واقعیت های تند و تلخی از نحوه و جزئیات مجروحیت و شهادت رزمندگان روبه رو کرده است.

چهره خشن و پرخاشگر و تهاجمی جنگ را به تصویرمان نقش می اندازد و شاید کمی با فانتزی های ذهنمان متفاوت باشد.

یا چطور در شرایط غافلگیری در جنگ شهری مردانی که حتی کمترین تجهیزات برای جنگ را نداشته اند در برابر برنامه ریزی بلند مدت جهانی که پشت ارتش بعث مخفی شده بود ایستادگی کردند. پسرهای ننه عبدالله را انتشارات سوره مهر در ۳۵۴ صفحه به همراه عکس ها و نمایه وارد دنیای نشر کرده است.